

فصلنامه علمی سراج منیر، سال دهم، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۸، صص ۵۷-۸۵

مقاله پژوهشی

معناشناسی ماده (رسل) و واژه (رسول) بر مبنای روابط جانشینی در قرآن، روایات و عهدین

محمدعلی کاظمی تبار

استادیار الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

فاطمه شیخ مومنی*

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۳)

چکیده

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های معنایی قرآن کریم و دومین اصل از اصول دین مبین اسلام نبوت است. این حوزه در ماده (رسل) و پرکاربردترین واژه این حوزه یعنی «رسول» تجلی می‌یابد و نقش مهمی در کتاب و سنت ایفا می‌کند. از همین رو در پژوهش پیش رو که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است، ابتدا معانی گوناگون ماده (رسل) تحلیل و بررسی شد. سپس برای تبیین بهتر معنای واژه (رسول) طبق اصل جانشینی در معناشناسی، واژه مترادف آن یعنی (نبی) مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه با مراجعه به تفاسیر و تقسیم بندی نظرات مفسران و ارائه جدول فراوانی یادکرد خداوند از پیامبران اولوالعزم با واژه‌های رسول و نبی، جایگاه ممتاز واژه (رسول) در قرآن کریم تبیین و تفاوت کارکردهای میان دو واژه روشن گردید. بر اساس یافته‌های این پژوهش و با بررسی معناشناسی تاریخی واژه «رسول» در کتب آسمانی یهود و مسیح و مطالعه زبان‌های سریانی، عبری و یونانی، روشن شد که این واژه در زبان‌های کهن و ادیان الهی قبل از اسلام نیز با همان معنای «فرستاده و پیام رسان الهی» کاربرد داشته که این امر نشان از ریشه عمیق این کلمه در تاریخ و متون الهی و جایگاه والای آن در حوزه دین دارد.

واژگان کلیدی: معناشناسی، قرآن کریم، رسول، نبی، عهدین.

* نویسنده مسئول) Email: sheikhmomeni1360@gmail.com

۱. مقدمه

با توجه به جایگاه والای نبوت در دین اسلام، فرضیه اولیه بر این بود که بسامد ماده (رسل) و مشتقات آن در قرآن کریم بالا باشد. بر همین اساس با مراجعه به معجم المفهرس روشن شد که این ماده و مشتقات آن ۵۱۲ بار در قرآن کریم به کار رفته است که ۳۵۰ مورد آن به موضوع نبوت و پیامبری اشاره دارد. واژه (رسول) ۲۳۵ بار، جمع آن، یعنی (رُسُل) ۹۶ بار، واژه (إِرسال) و مشتقات آن ۱۳۰ بار، واژه (رساله) و (رسالات) ۱۰ بار و واژه (مرسل) و مشتقاتش ۴۱ بار استفاده شده است. این در حالی است که واژه (نبی) به عنوان واژه جانشین و دومین واژه در حوزه نبوت به همراه مشتقاتش ۷۵ بار در قرآن، ذکر شده است. از همین رو باید اذعان نمود پرکاربردترین و مهم‌ترین واژه در حوزه نبوت در قرآن کریم، کلمه (رسول) است که برای فهم معنای دقیق و عمیق آن این پژوهش انجام شد.

در مورد پیشینه پژوهش باید یادآور شویم که در این زمینه مقالاتی چون «نبی و رسول در کتاب مقدس و قرآن» نوشته محمدرضا آصفی و سید روحالله شفیعی در فصل‌نامه علمی-پژوهشی مطالعات تاریخ اسلام، و «کار بست رسول و نبی در عقاید اسلامی» نوشته عبدالحمید طالب تاش در فصل‌نامه تحقیقات کلامی چاپ شده که بیشتر به تفاوت‌های دو واژه (نبی) و (رسول) در قرآن، تورات و انجیل پرداخته است. اما در پژوهش پیش رو که به روش تحلیلی توصیفی انجام شده، سعی شده است با محوریت واژه (رسول) ابتدا ماده (رسل) از منظر معناشناسی به طور کامل در کتب لغت و زبان‌های دیگر بررسی و سپس با تبیین معانی مختلف واژه «رسول» جایگاه آن در قرآن و روایات و تفاسیر روشن شده و تفاوت آن با واژه (نبی) مشخص گردد.

۲. بررسی معنای لغوی و اصطلاحی

بر اساس مطالب موجود در منابع گوناگون قدیم و جدید، ماده «رسل» دارای چهار حوزه معنایی مختلف است که عبارتند از:

۲-۱. نرمی و آرامش

الرَّسَلُ: کسی که نرم‌خو و آرام است (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۴۲؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲: ۲۷۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۹۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۵۲، ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۲: ۷۲۰، ج ۴: ۲۸۴) به نرمی و آرامی راه رفتن که درباره حیوانات خصوصاً شتر نیز به کار می‌رود (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۲۸۲؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۲۸۰).

الرَّسَلُ وَ الرَّسَلَةُ: دوست شدن و رفیق شدن که همراه با نرمی و مداراست (ر.ک؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۸: ۴۷۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۲۸۲).

التَّوَسَّلُ: به آرامی و با متانت و وقار سخن گفتن است. بدون عجله و به آرامی خواندن. به نرمی و آرامی بر روی حیوان سوار شدن و نشستن (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۴۲؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲: ۲۷۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۲۸۲، مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۲۸۰؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸: ۴۷۳) - با چیزی مأنوس و دلگرم شدن (یعنی با کسی یا چیزی مأنوس شود و در کنار او دلش آرام می‌گیرد) (ر.ک؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲: ۲۷۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۲۸۲).

۲-۲. برانگیخته شدن و فرستاده شدن

الرَّسَلُ: برانگیخته شدن به آرامی و نرمی است؛ الرَّسُولُ: پیامبر مبعوث و برانگیخته شده که از آن معنی رفیق و مدارا نیز تصور می‌شود. از رسول، رسالت و رساندن پیام نیز گرفته می‌شود؛ چنان که شاعر می‌گوید: هان، پیغام را به اباحفص برسان (ر.ک؛

فراهیدی، ج ۷، ۱۴۰۹: ۲۴۲؛ ازهری، ج ۱۲، ۱۴۲۱: ۲۷۴؛ ابن فارس، ج ۲، ۱۴۰۴: ۳۹۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۵۲) رسول در لغت کسی را گویند که اخبار فرستنده‌اش را پیروی می‌کند (ر.ک؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲: ۲۷۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۲۸۲؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۸۰) این واژه در مفرد و جمع هر دو به کار می‌رود، چنان که در قرآن کریم آمده است ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَّحِيمٌ﴾ (توبه/ ۱۲۸). جمع رسول، رُسُل و أُرْسُل نیز هست. لسان‌العرب به نقل از ابن اعرابی می‌گوید: «جمع رسول، أُرْسُل و رُسُل و رُسُل و رُسَلَاء است و مفرد و جمع و مؤنث آن یک واژه است و علت نامیده شدن به رسول به خاطر این است که صاحب رسالت است» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۱۸۳) صاحب مفردات درباره واژه رسول به این معنا در قرآن می‌گوید: گاهی مراد از رسل الله فرشتگانند و گاهی پیامبران. آیاتی که فرشتگان را رسول خطاب می‌کند عبارتند از: ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾ (حاقه/ ۴۰) و ﴿إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ﴾ (هود/ ۸۱) ﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ﴾ (هود/ ۷۷) ﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى﴾ (هود/ ۲۹) ﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ (مرسلات/ ۲) و ﴿بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُمُونَ﴾ (زخرف/ ۸۰) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۵۲) و آیاتی که به واژه رُسُول درباره پیامبران می‌پردازد، عبارتند از: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ﴾ (آل عمران/ ۱۴۴). ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ (مائده/ ۶۷) و ﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مَبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾ (انعام/ ۴۸) (ر.ک؛ فراهیدی، ج ۷، ۱۴۰۹: ۲۴۲).

مُرْسَل: به معنی فرستاده شده است؛ مانند: ﴿أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّنْ رَبِّهِ﴾ (اعراف/ ۷۵) و جمع آن مرسلون است: ﴿قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ﴾ (حجر/ ۵۷) و کلمه مُرْسَلَات در ﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ (مرسلات/ ۱) جمع مرسله است.

مُرْسِل: اسم فاعل به معنی فرستنده و رها کننده است؛ مانند: ﴿وَمَا يُمَسِّكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ﴾ (فاطر/ ۲) و جمع آن مرسلون است: ﴿وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ﴾ (قصص/ ۴۵) (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۹۱).

رِسَالَه: اسم و به معنی پیام است: ﴿يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي﴾ (اعراف / ۷۹) و جمع آن رسائل یا رسالات است: ﴿أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي﴾ (اعراف / ۶۲).

الإرسال: فرستادن و رسالت یافتن که درباره انسان و اشیاء، در هر دو حالت پسندیده و ناپسند به کار می‌رود. گاهی با تسخیر و جبری است؛ مانند: ارسال باد و باران در آیه ﴿وَ أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا﴾ (انعام / ۶) (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۴۲). برخی معتقدند واژه «ارسال» در قرآن به صورت‌های مختلف برای انسان، فرشته، شیطان یا حیوان و جمادات بنا بر عمل به وظیفه‌شان به کار رفته‌است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عالم روحانی: ﴿فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا﴾ (مریم / ۱۷) عالم جسمانی مثل انسان: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ... وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا...﴾ ... ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى وَأَخَاهُ هَارُونَ... كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ (توبه / ۳۳) حیوانات: ﴿وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾ (فیل / ۳) موجودات بدون شعور: ﴿وَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ... فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ﴾ (فرقان / ۴۸) شیاطین: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (مریم / ۸۳) ملائکه: ﴿اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا﴾ (حج / ۷۵) (مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰، ج ۴، ۱۳۸).

۲-۳. سریع و تند

المُرْسَالُ: نیزه و تیر کوچک که شاید به خاطر تند و سریع بودنش، به این نام، خوانده شده‌است. مَرَّاسِيلُ: جمع مرسال و به معنی سریع‌السير است. شتر تندرو (ر.ک؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۷۲۰).

مُورِسَات: این کلمه در قرآن به سه معنی آمده‌است: ۱- بادها ۲- فرشتگان ۳- اسبان جنگی. که به نظر می‌رسد وجه مشترک هر سه گروه، تند و سریع بودنشان است (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۲۸۲؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲: ۲۷۴؛ مرتضی زبیدی، ج ۱۴، ۱۴۱۴: ۲۸۰).

۲-۴. به تدریج و پی در پی، قطعه و تکه، گروه و دسته

الرَّسَلُ: به معنی قطعه و پاره‌ای از هر چیز و جمع آن ارسال است. همچنین گفته شده: قطعه مویی بعد از قطعه‌ای (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۴۲)، دسته و گله شتر است (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۴۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۲۸۲).

شَعْرُ رَسَلٍ: موی افشان که روی هم دسته دسته قرار گرفته است (ر.ک؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴: ۱۷۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۲۸۲).

الرَّسَلُ: به معنای شیر است (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۴۲؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲: ۲۷۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۲۸۲؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۸۰) صاحب مقایس اللغه (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۹۳) در بیان وجه معنایی مشترک آن می‌گوید: زیرا شیر اندک اندک در پستان مادر جمع می‌شود (مُرْسِلٌ: پر شیر، رِسْلَةٌ: گروه و دسته، اُرْسَالًا: دسته دسته، تکه تکه) (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۲۸۲؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲: ۲۷۴).

الرَّسِيلُ: آب گوارا (ر.ک؛ شیبانی، ۱۹۷۵م، ج ۲: ۱) رَسِيلُ الرَّجُلِ: به معنی پهلوانی است که به جنگ می‌رود و ارتباط این کلمه با ماده اصلی در این است که بعد از هر تیر، تیر دیگری می‌زند (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۹۳؛ ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۲: ۷۲۰).

الرَّوْسِلَانُ: دو رگ کنار هم که درون کتف هستند (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۲۸۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۹۳؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲: ۲۷۴؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۲۸۰).

الرُّسْلَةُ: مؤنث المُرْسَلِ، به معنی گردن بند بلندی است که قطعات زینتی آن کنار هم چیده شده و بر روی سینه قرار می‌گیرد (ر.ک؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲: ۲۷۴؛ ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۲: ۷۲۰).

حدیث مُرْسَل: حدیثی است که اسناد آن به صاحبش متصل نباشد (یا اسنادش حذف شده باشد) و جمع آن مراسیل است (ر.ک؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲: ۲۷۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۲، مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۴: ۱۳۷).

المُرَاسِلُ مِنَ النِّسَاءِ: زنی که از شوهرش جدا شده یا شوهرش مرده است (ر.ک؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۸۰) زنی که دو یا سه بار ازدواج کرده است (ر.ک؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴: ۱۷۰۸).

با تأمل و دقت در چهار حوزه معنایی ماده (رسل) این نتیجه حاصل می‌شود که معنای سیر، حرکت، اتصال و ارسال در همه آنها وجود دارد، با این توضیح که در دسته اول این اتصال و ارتباط همراه با نرمی و دوستی و آرامش بیان می‌شود. در دسته دوم فرستادن و ارسال از طرف خداوند به صورت‌های مختلف، انجام می‌شود. در دسته سوم فرستادن و سیر در حالت تند و سریع، مورد نظر است و در دسته چهارم این سیر و حرکت به صورت دسته و گروه می‌آید.

۳. بررسی واژگان مترادف

از آنجا که برای فهم دقیق معنای یک واژه نیازمند یافتن واژگان مترادف آن هستیم نزدیک‌ترین لفظ به واژه (رسول) در قرآن کریم واژه (نبی) است. لذا پس از بررسی واژه (رسول) در این بخش به بررسی واژه (نبی) می‌پردازیم.

۳-۱. واژه (نبی)

بر اساس منابع لغت «نبی کسی است که از خداوند خبر می‌دهد و اگر از نبوه و نباوه گرفته شده باشد، معنایش بلندی از سطح زمین است و وجه تسمیه آن به خاطر بلندی و عظمت مقام نبی است؛ زیرا او بر دیگر مخلوقات برتری دارد» (ر.ک؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵: ۳۴۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۶۲؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۱۰۲۸؛ راغب اصفهانی،

۱۴۱۲: ۷۹۰؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۲: ۱۱). اما در مورد ریشه واژه (نبی) دو دیدگاه وجود دارد:

اول: (نبی) از ریشه (نبأ) مشتق شده و به معنای خبر دادن است. نبی، کسی است که از طرف خداوند خبر می‌دهد.

دوم: (نبی) از ریشه «نبو» مشتق شده است؛ مانند «النبوة» و «النبأ» که به معنای ارتفاع و همچنین بالاتر بودن از زمین است و این به خاطر علو مقام نبی بر سایر خلق است. به همین جهت خداوند آن نبی را که بزرگی دارد و از سایرین برتر است، در آیه ﴿وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾ (مریم/۵۷) نام برده است.

اما از جهت بسامد، واژگان نبی، نبیین، نبیون و انبیاء هشتاد بار در قرآن کریم به کار رفته‌اند و کلمه (نبی) در اصل (نبیء) بوده که در طول زمان همزه آن مبدل به یاء شده و سپس در یاء ما قبل ادغام شده است. کاربرد واژه (نبیء) با همزه در لغت عرب بسیار کم است و تنها اهل مکه با همزه به کار می‌بردند و بقیه اعراب با یاء یعنی (نبی) استفاده می‌کرده‌اند. در روایتی به نقل از رسول کرم صلی الله علیه و آله سلم آمده است: به حضرت عرض کردند: یا نبیء الله، آن حضرت فرمودند: من، نبیء الله نیستم و لکن نبیء الله هستم (ر.ک؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰: ۴۸۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۱۶۲) و در تأیید این موضوع، در مفردات راغب آمده است: نبی با تشدید از نبیء با همزه بلیغ‌تر و مشهورتر است که آن به رفعت قدر دلالت دارد (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۹۰).

جمع واژه نبی، نبیین و انبیاء است. زجاج می‌گوید: قرائت جمع در نبیین و انبیاء با همزه است که از «نبأ» و «أنبا» به معنی (خبر دادن) گرفته شده است؛ مانند: ﴿وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ﴾ (آل عمران/۸۴) ﴿اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءً﴾ (مائده/۲۰) (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۷: ۸). از جهت ساختار، واژه نبی، بر وزن فعل، صفت مشبیه است که اگر در معنی فاعل باشد، معنایش خبردهنده است؛ زیرا نبی از جانب خدا خبر می‌دهد؛ مثل ﴿نَبِيِّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَمُورُ الرَّحِيمُ﴾ (حجر/۴۹) به بندگانم

خبر ده که فقط منم غفور رحیم و نیز مانند: (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ) (حج / ۵۲). بنابراین معلوم می‌شود که نبی فقط حامل خبر نیست، بلکه رسالت دارد و اگر واژه (نبی) در معنی مفعول باشد معنایش خبر داده شده‌است که به نبی از جانب خدا خبر داده می‌شود، مثل: (نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْخَيْرُ) (تحریم / ۳) خدای علیم و خبیر به من خبر داد، ولی ظاهراً مراد از آن در قرآن مجید، معنای فاعلی است، لذا آن را در صحاح، قاموس، مصباح و اقرب الموارد «المخبر عن الله» خبر دهنده از خداوند معنی کرده‌اند (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۷: ۸).

البته می‌توان گفت که واژه نبی، می‌تواند هر دو معنای فاعلی و مفعولی را داشته باشد، چنان که برخی این درباره گفته‌اند: «این دوگانگی واژه (نبی) در معنای فاعلی و مفعولی بیشتر با ساختار زبان عربی هماهنگ است و مقصود از آن این است که پیامبری دو سوی و دو روی دارد: از یک سو گیرنده است، گیرنده پیام خدا و از دیگر سوی و دیگر روی رساننده است، رساننده پیام خدا به مردم» (بیومی مهران، ۳۸۳ش، ج ۲: ۳) گر چه برخی دیگر (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۹۶۴، ج ۵: ۸۷) معنای مفعولی را درست‌تر دانسته، می‌گویند: «نبی الله» بودن پیامبر از این روست که خدا او را گیرنده پیام‌های خود می‌گرداند.

بنابراین با توجه به معانی بیان شده از واژه (نبی) می‌توان نتیجه گرفت که نبی، حامل پیام از طرف خداست و نبوت رابطه‌ای است بین خداوند و بندگان خردمندش، به منظور رفع مشکلات و نابسامانی‌های مربوط به امور معاش و معاد انسان‌ها (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۳۰۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۹۰).

۲-۳. کاربرد واژه‌های (رسول) و (نبی) در قرآن کریم

قرآن کریم در یادکرد پیامبران الهی گاه از واژه (رسول) (يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ) (مائده / ۱۰۹)، گاه از واژه (نبی) (وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ) (زمر / ۶۹) و گاهی هم از هر دو واژه (كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا) (مریم / ۵۵) استفاده می‌کند که نشان

دهنده تفاوت میان این دو واژه است. جدول زیر یادکردهای گوناگون قرآن کریم از دو واژه (رسول) و (نبی) برای پیامبران اولوالعزم را نشان می‌دهد.

جدول ۱. یادکرد قرآن کریم از پیامبران «اولوالعزم» با دو واژه «رسول» و «نبی»

نام پیامبر	تعداد تکرار با واژه «رسول»	تعداد تکرار با واژه «نبی»	آیاتی که با واژه «رسول» ذکر شده	آیاتی که با واژه «نبی» ذکر شده
حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)	۱۱۰ مرتبه	۳۲ مرتبه	بقره ۱۰۸، ۱۵۱، ۲۷۹- آل عمران ۱۶۴، ۱۴۴، ۸۱، ۱۰۱ مائده ۱۵، ۱۹، ۳۳، ۵۵، ۵۶، ۹۲- اعراف ۱۵۷، ۱۵۸، انفال ۱۳، ۲۰، ۱، توبه ۱، ۳، ۷، ۱۶، ۲۴، ۲۶، ۲۹، عمران ۶۸، ۱۶۱، ۳۳، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۷۱، ۷۴، انفال ۶۴، ۶۵، ... ۸۱، ۸۴، ۸۶ ... مومنون ۶۹ - نور ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۶۲ - زخرف ۲۹ - دخان ۱۳- بینه ۲ - احزاب ۲۱، ۱۲، ۲۲، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۶، ۴۰، ۵۳، ۵۷، ۷۱-فتح ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹- حجرات ۱، ۳، ۷، ۱۴، ۱۵- منافقون ۱، ۵، ۷، ۸- فرقان ۴۱- جمعه ۲- حدید ۷ - مجادله ۴، ۵، ۱۳، ۲۰، ۲۲- حشر ۴، ۶، ۷، ۸- صف ۹، ۱۱- طلاق ۱، تغابن ۸- جن ۲۳- مزمل ۱۵-	اعراف ۱۵۷ مائده - ۱۵۸ ۸۱ - آل عمران ۶۸، ۱۶۱، انفال ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۷۰، - توبه ۶۱، ۷۳، ۱۱۳، ۱۱۷- احزاب ۱، ۶، ۱۳، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۸، ۴۵، ۵۰، ۵۳، ۵۶، ۵۹- حجرات ۲- ممتحنه ۱۲، طلاق ۱- تحریم ۱، ۳، ۸، ۹

حضرت عیسی (علیه السلام)	۵ مرتبه	۳ مرتبه	آل عمران ۴۹- نساء ۱۵۷ و ۱۷۱- مائده ۷۵- صف ۶	مریم ۳۰- انعام ۱۶۳- نساء ۸۵
حضرت موسی (علیه السلام)	۱۶ مرتبه	۱ مرتبه	ذاریات ۳۸- اعراف ۱۰۴- دخان ۱۷، ۱۸- شعراء ۱۶، ۲۷- مریم ۵۱- هود ۹۶- ابراهیم ۵- مؤمنون ۴۵، ۲۳- زخرف ۴۶- غافر ۲۳- صف ۵- مزمل ۱۵- طه ۴۷	مریم ۵۱
حضرت نوح (علیه السلام)	۷ مرتبه	۲ مرتبه	شعراء ۱۰۷- اعراف ۵۹، ۶۱، ۶۷- عنکبوت ۱۴- حدید ۲۶- نوح ۱	نساء ۱۶۳- انعام ۸۴
حضرت ابراهیم (علیه السلام)	۱ مرتبه	۳ مرتبه	حدید ۲۶	مریم ۴۱- انعام ۱۶۳- نساء ۸۳

با کمی تأمل در این جدول مشخص می‌شود که خداوند گاه پیامبران اولوالعزم را رسول و گاه نبی خطاب نموده و نکته قابل ملاحظه در این آیات، فراوانی تکرار واژه (رسول) نسبت به واژه (نبی) است که جایگاه والای واژه (رسول) را نشان می‌دهد. اما برای فهم تفاوت‌های معنایی این دو واژه تنها بررسی آیات قرآن کریم کافی نیست و باید با مراجعه به متون تفسیری و روایات معصومین (علیهم السلام) تفاوت‌ها را به طور دقیق‌تر به دست آورد.

۴. تفاوت واژه (رسول) و (نبی) در تفاسیر

پس از بررسی متون تفسیری مختلف، از قبیل تبیان، مجمع البیان، تفسیر کبیر و روح المعانی، دیدگاه‌های مفسران را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود:

دسته اول: تفاسیری که (رسول) و (نبی) را هم معنا و یکسان می‌دانند.
 دسته دوم: مفسرانی که تفاوت (رسول) و (نبی) را بر اساس داشتن یا نداشتن کتاب و شریعت می‌دانند و رابطه (رسول) و (نبی) را رابطه خصوص و عموم می‌پندارند.
 دسته سوم: مفسرانی هستند که تفاوت دو واژه (رسول) و (نبی) را بر اساس روایات معصومین (علیهم‌السلام) در نوع ارتباط آن‌ها با فرشتگان می‌دانند.
 در این بخش به توضیح و بررسی هر یک از این دیدگاه‌ها به طور جداگانه می‌پردازیم:

۴-۱. دیدگاه اول: (رسول) و (نبی) را هم معنا و یکسان می‌دانند

شاید بتوان گفت استفاده پایاپای آیات قرآن کریم از این دو واژه باعث شده است که عده‌ای از مفسرین این دو واژه را مترادف تلقی کنند. به باور یکی از مفسران بزرگ «این دیدگاه مربوط به معتزله است که این دو واژه را مترادف دانسته اند» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳: ۲۳۶) چنان که یکی دیگر از مفسران قرن دوم می‌گوید: قوله: (اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا) (حج/۷۵)؛ (إِصْطَفَى مِنْهُمْ جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَمَلِكَ الْمَوْتِ وَأَشْبَاهَهُمْ وَ يَصْطَفِي مِنَ النَّاسِ الْأَنْبِيَاءِ) نشان می‌دهد که در قرآن کریم تفاوتی میان دو واژه (رسول) و (نبی) نیست و می‌توانند به جای هم به کار روند (ر.ک؛ فراء، ۱۹۸۰م، ج ۲: ۲۳۰) بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که تا قرن دوم مفسران تفاوتی میان این دو واژه قائل نبودند.

البته در قرون بعد نیز مفسرانی چون شیخ طوسی، شیخ طبرسی، قرطبی و آلوسی این دو واژه را مترادف دانسته و وجه تمایز آن‌ها را تنها در معنای لغوی دو واژه می‌دانند، یعنی از نظر آنان مصداق دو واژه، یکی هست، اما از نظر معنای لغوی هر پیامبری که ارتباط وحیانی با خداوند دارد را (نبی) می‌گویند و از جهت آن که آورنده پیام وحی به

سوی مردم است (رسول) می نامند (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۷، ۳۳۱؛ طبرسی، ج ۷، ۱۴۱۴: ۴۴؛ قرطبی، ج ۱۳، ۱۳۶۴: ۸۰؛ آلوسی، ج ۳، ۱۴۱۵: ۲۴۳).

*نقد و بررسی دیدگاه اول

عالمان و دین پژوهان، مفهوم نبی و رسول را یکسان ندانسته و میان آن‌ها به دلایل زیر تفاوت قائل شده‌اند:

الف. این دو واژه در قرآن از پی هم آمده و به یکدیگر عطف شده‌اند و اگر یکی بودند، عطف آن‌ها به یکدیگر روا نبود ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانَ فِي أُمْنِيَّتِهِ﴾ (حج/۵۲).

ب. خداوند در قرآن کریم برخی پیامبران را هم رسول و هم نبی خوانده‌است و این نشان می‌دهد که رسالت، امری افزون بر نبوت است ﴿وَإِذْ كُرِّ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ (مریم/۵۴).

ج. روایت مشهور پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) که شمار انبیاء را ۱۲۴ هزار نفر و شمار رسولان را سیصد و سیزده نفر فرموده‌اند نیز نشان دهنده تفاوت بین این دو مورد است. لذا بر طبق آیات و روایات نمی‌توان پذیرفت که دو واژه (رسول) و (نبی) از نظر معنا و مصداق، یکسان باشند.

۲-۴. دیدگاه دوم: تفاوت (رسول) و (نبی) در دو موضوع ابلاغ دین به مردم و داشتن کتاب و شریعت است و رابطه (رسول) و (نبی) از نوع خصوص و عموم است.

۱-۲-۴. خداوند تنها از رسول، ابلاغ دین به مردم را خواسته‌است

مفسرانی چون طحاوی، قرطبی و ابن تیمیه گفته‌اند: نبی کسی است که خداوند دینی را بدو فرو فرستد، خواه رساندن آن دین به دیگران را از او خواسته باشد و خواه نخواسته باشد؛ اما رسول کسی است که خداوند دینی به او فرو فرستد و رساندن آن دین به دیگران را قطعاً از او بخواهد (ر.ک؛ طحاوی، شرح العقیده الطحاویة، بیروت ۱۹۷۱م: ۱۶۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۳۸۰، دیار بکری، تاریخ الخمیس، بی تا).

ابن تیمیه درباره آیه (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ) (حج/۵۲) گفته است: «خداوند در آغاز این آیه از «ارسال» و فرستادن سخن به میان آورده است که هم رسول را فرا می‌گیرد و هم نبی را، سپس به ویژه از رسول یاد کرده و این رسول فرستاده‌ای است که فرمان دارد تا دین خدا را به مخالفان او برساند، مانند نوح (علیه السلام) که به گواه احادیث، نخستین رسولی است که به سوی مردم فرستاده شده است و پیامبران پیش از او چون شیث و ادريس و پیش از آنها آدم، تنها نبی بوده‌اند و گیرنده سخن خدا» (ابن تیمیه، ۱۴۲۰: ۱۷۳).

* نقد این نظر

این نظر با حکمت خداوند تناسب ندارد؛ زیرا چنان که شرقاوی نیز می‌گوید: «چندان اندیشه‌پسند نیست که خداوند دینی را به پیامبری فرو فرستد، اما او را به رساندن آن دین به دیگران، فرمان ندهد. چرا که دینی که خداوند به پیامبری می‌فرستد، از گونه امانت و علم است و پیداست که گزاردن امانت بایسته است و پنهان داشتن علم ناشایسته» (شرقاوی، ۱۹۷۰م: صص ۹-۱۰) گذشته از این که خداوند مطلبی را به پیامبر وحی نمی‌کند تا در سینه او پنهان بماند و با مرگ او از بین برود.

۴-۲-۲. رسول شریعت و کتاب دارد

برخی دیگر در تفاوت رسول و نبی گفته‌اند: «رسول کسی است که هم دینی به او وحی شده باشد و هم کتابی بدو فرستاده شده باشد، مانند ابراهیم، موسی، داود، عیسی و

محمد - که درود خدا بر همه آنان باد - و نبی آن است که شریعت و دین جدید و کتاب مستقل ندارد و تنها مبلغ آیین و شریعت رسول قبل از خود است؛ مانند اسماعیل، شعیب، یونس، لوط و زکریا و یا آن دسته از پیامبران بنی اسرائیل که در میانه روزگار موسی و عیسی (ع) مردم را به دین موسی فرا می خواندند. بنابراین هر رسولی نبی هم هست، اما هر نبی ای، رسول نیست و ارتباط میان آنها از نوع عموم و خصوص مطلق است» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۶۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹: ۱۶۵، بیضاوی، ۹۵/۲-۹۶؛ قرطبی، ۴۴۷۲؛ طحاوی، ۱۶۷؛ عبد الحلیم محمود، ۱۹۷۷: ۴۲؛ تفسیر المنار، ۱۹۴/۹).

بنا بر ادعای ابن تیمیه (۱۴۲۰ق، ص ۱۷۳، ص ۱۹۳) این سخن نیز، درست و پذیرفتنی نمی نماید؛ زیرا خداوند گروهی از پیامبران را که کتابی بر آنان فرو فرستاده نشده، رسول خوانده است، مثلاً حضرت اسماعیل (ع) را رسول و نبی شمرده است (وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِسْمَاعِیلَ اِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُوْلًا نَبِیًّا) (مریم / ۵۴) همچنین حضرت لوط (ع): (وَ اِنْ لُوْطًا لَمِّنَ الْمُرْسَلِیْنَ) (صافات / ۱۳۳) و حضرت یونس (ع): «وَ اِنْ یُوْنُسَ لَمِّنَ الْمُرْسَلِیْنَ» (صافات / ۱۳۹) رسول خوانده شده اند، با آن که اسماعیل و لوط و یونس کتاب نداشته اند.

البته ابن تیمیه بر این است که این تازه آوردن، بایسته رسول نیست «و رسولانی بوده اند که مردم را به دین پیامبران پیش از خود فرا می خوانده اند؛ مانند یوسف که گر چه رسول بود، بر دین ابراهیم بود و نیز مانند داود و سلیمان که اگر چه رسول بودند، اما بر دین موسی و شریعت تورات بودند» (ابن تیمیه، ۱۴۲۰: ۱۷۳).

۳-۴. تفاوت (رسول) و (نبی) بر اساس روایات معصومین (ع) در نوع ارتباط آنها با فرشتگان است

برخی مفسرین با توجه به آیه «وَ مَا كَانَ لِیَسِّرَ اَنْ یُّکَلِّمَهُ اللّٰهُ اِذَا وَحِیًا اَوْ مِنْ وَّرَءِ حِجَابٍ اَوْ یُرْسِلَ رَسُوْلًا فِیْوَجِیْ بِاِذْنِهٖ مَا یَشَآءُ اِنَّهٗ عَلِیٌّ حَکِیْمٌ» (شوری / ۵۱) معتقدند تفاوت رسول و

نبی در نوع ارتباط آنان با وحی است؛ زیرا سخن گفتن خداوند با پیامبران طبق کلام صریح قرآن، به وسیله یکی از این سه راه بوده است:

* وحی، الهام و انداختن به قلب و شاید در خواب دیدن نیز جزء آن باشد.

** سخن گفتن از پس پرده، بدین معنی که پیامبر سخن خدا را می شنود؛ مانند حضرت موسی (ع) که فرموده است «وَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» (نساء / ۱۶۴) و آن حضرت بارها در کوه طور، کلام خدا را شنید.

*** آمدن ملک، چنان که جبرئیل به نزد حضرت رسول (ص) و دیگر پیامبران آمد و از خدا پیام آورد «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ» (نحل / ۱۰۲).

بنابراین مفسرانی چون: فخر رازی، فیض کاشانی، حویزی، بحرانی و قمی با رویکرد روایی به بیان تفاوت این دو واژه پرداخته و معتقدند «نبی آن است که فرشته وحی را فقط در خواب می بیند و یا در بیداری تنها صدای او را می شنود (إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ) و رسول آن است که فرشته در بیداری بر او نازل می شود و با او سخن می گوید و این مصداق عبارت «أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي بِلَاذْنِهِ مَا يَشَاءُ» (شوری / ۵۱) می باشد. از اقسام سه گانه سخن گفتن خداوند با پیامبران، دو قسم اولش راجع به نبی و قسم اخیرش مربوط به رسول است. طبق نظر این گروه رابطه میان نبی و رسول رابطه عموم و خصوص مطلق است، یعنی هر رسولی نبی هم است، اما هر نبی ممکن است رسول نباشد» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳: ۲۳۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۳۸۶؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۵۱۰؛ بحرانی ۱۳۷۴ش، ج ۴: ۱۲۱).

۵. تفاوت (رسول) و (نبی) در روایات معصومین (ع)

روایات وارده در تفاوت واژگان (رسول) و (نبی) را می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم: دسته‌ای از روایات تفاوت میان رسول و نبی را توضیح می‌دهند و دسته دیگر عدد انبیا و رسولان را بیان و تعداد آنان را تشریح می‌نمایند.

۵-۱. روایات بیانگر تفاوت (رسول) و (نبی)

در کتاب (اصول کافی) جلد اول، در باب (فرق میان رسول و نبی و محدث) چهار روایت با مضمونی نزدیک به هم وجود دارد که در کتب (معانی الأخبار) و (بصائر الدرجات) نیز آمده است: زراره از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که از آن حضرت درباره آیه ﴿كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ (مریم/۵۱) سؤال کردم: تفاوت میان رسول و نبی کدام است؟ فرمود: نبی ملک را در خواب می‌بیند و صدایش را می‌شنود، ولی در بیداری ملک را نمی‌بیند و رسول ملک را آشکارا می‌بیند و با او سخن می‌گوید» (کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۷۶؛ صدوق، ۱۳۸۵ش، ۳۶۴؛ صفار، ۱۴۰۴: ۳۷۱).

طبق روایات اهل بیت (ع) نبی کسی است که فقط در خواب فرشته وحی را می‌بیند و وحی را از این طریق دریافت می‌کند، ولی در بیداری فقط صدای فرشته وحی را می‌شنود، اما رسول کسی است که علاوه بر شنیدن صدای فرشته، در خواب یا بیداری، او را مشاهده می‌کند.

۵-۱-۱. شمار پیامبران الاهی

با توجه به آیات قرآن کریم متوجه می‌شویم که فرستادگان خدا شمار فراوان داشته‌اند، چنان که فرموده است: ﴿وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ﴾ و چه بسیار پیامبرانی که در میان پیشینیان فرستادیم (زخرف/ ۶). اما نام و تعداد همه آنان در قرآن کریم ذکر

نشده است: (و رُسُلًا قَدْ قَصَصْنَا لَهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ رُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ) پیامبرانی که داستان آنان را بر تو خواندیم و پیامبرانی که داستان آنان را بر تو نخواندیم (نساء/۱۶۴).

۵-۱-۲. انبیایی که در قرآن از آنان یاد شده است

اما درباره آمار و تعداد پیامبران باید گفت که شمار دقیق آنان را خدا می‌داند و تنها نام بیست و پنج تن از این برگزیدگان در قرآن آمده است که عبارتند از: آدم، ادریس، نوح، هود، صالح، ابراهیم، لوط، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، ایوب، شعیب، موسی، هارون، یونس، داود، سلیمان، الیاس، الیسع، زکریا، یحیی، عیسی، ذو الکفل، - البته به گفته بسیاری از مفسران - و در نهایت سرور آنان محمد (صلی الله علیه و آله وسلم). (ر.ک؛ ابن کثیر ۱۴۱۹ ق.، ج ۲: ۴۲۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۳۱۲).

خلاصه این که در قرآن کریم برای انبیا، عدد معینی ذکر نشده است و به همین دلیل مفسران در مورد تعداد پیامبران دیدگاه‌های گوناگونی بیان کرده اند: گروهی آنان را ۱۲۴ هزار و برخی تعدادشان را ۸ هزار برشمرده اند. اینان گفته اند چهار هزار از بنی اسرائیل و چهار هزار از دیگران بوده اند. بعضی دیگر تعداد پیامبران الهی را چهار هزار و پاره‌ای دیگر سه هزار ذکر کرده اند که از این تعداد، ۳۱۳ تن رسول بوده اند و دیگران نبی، که نخستین رسول حضرت آدم (ع) و آخرین رسول، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بوده است (ر.ک؛ تفسیر ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲: صص ۴۲۲-۴۲۸؛ تفسیر قرطبی صص ۲۰۱۴-۲۰۱۵؛ تفسیر روح المعانی، ج ۲۴: صص ۸۸-۸۹؛ مجمع الزوائد ج ۸: ۲۱۰؛ ابن قتیبه، ۲۶) و به هر رو، این موضوع جز از راه وحی خداوند متعال به فرستادگانش دانسته نمی‌شود.

۵-۲. روایاتی که به تعداد پیامبران اشاره دارد

در این زمینه، از میان آراء گوناگون مفسران به مشهورترین روایتی که شیعه و سنی از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به روایت ابوذر نقل کرده اند، اشاره می‌کنیم.

از عتبه لثی از ابوذر رحمت الله علیه نقل شده است که گفت به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عرضه داشتم: انبیا چند نفر بودند؟ فرمود: صد و بیست و چهار هزار نفر، پرسیدم: مرسلین از آنان چند نفر بودند؟ فرمود: سیصد و سیزده نفر که خود جمعیتی بسیارند، پرسیدم: اولین پیغمبر چه کسی بود؟ فرمود: آدم پرسیدم: آدم جزء مرسلین بود؟ فرمود: بله خدا او را به دست قدرت خود بیافرید و از روح خود در او بدمید. آن گاه فرمود: ای اباذر چهار تن از انبیا سریانی بودند آدم، شیث، اخنوخ (که همان ادریس باشد و او اولین کسی است که با قلم خط نوشت) و چهارم نوح (علیه السلام) و چهار نفر دیگر عرب بودند: هود، صالح، شعیب و پیامبر تو محمد (صلی الله علیه و آله) و اولین پیغمبر از بنی اسرائیل موسی، و آخرین ایشان عیسی (و بین آن دو) ششصد پیغمبر بودند. پرسیدم: یا رسول الله خدای تعالی چند کتاب نازل کرد؟ فرمود: صد کتاب کوچک و چهار کتاب بزرگ و خدای تعالی پنجاه صحیفه بر شیث نازل کرد، سی صحیفه بر ادریس و بیست صحیفه بر ابراهیم و چهار کتاب بزرگ تورات، انجیل، زبور و فرقان است (ر.ک؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ص ۳۰۰ و ۶۴۱؛ صفار قمی ۱۴۰۴ق: ص ۱۲؛ ابن کثیر، ج ۲: صص ۴۲۲-۴۲۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۴: ۲۶۴؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۵: صص ۲۶۵-۲۶۶).

بنابر روایات رسیده از معصومین (علیهم السلام) دو واژه رسول و نبی با هم یکسان نیستند. نبی فقط در خواب فرشته الهی را می‌بیند و وحی را از این طریق دریافت می‌کند، ولی رسول علاوه بر شنیدن صدای فرشته، او را در بیداری مشاهده می‌کند.

۶. کاربرد واژه (رسول) در زبان سریانی قبل از اسلام

به باور کسانی که وارد مباحث زبان شناسی شده و در مورد فرهنگ تطبیقی واژگان، کتاب نوشته‌اند، واژه (رسول) قبل از اسلام در زبان سریانی به شکلی که در ذیل آورده شده، نوشته و (رسولا) خوانده می‌شده‌است. برای فهم مطلب یادآور می‌شویم که واژه رسول در زبان انگلیسی با سه لغت مترادف زیر بیان شده‌است:

1-messenger

2-apostle

3-envoy

که در کتب مقدس تورات و انجیل - چنانچه بیان خواهد شد - برای کلمه رسول از واژه اول و دوم استفاده شده و واژه سوم بیشتر به رابطه بین انسان‌ها اشاره دارد و کاربرد الهی ندارد.

تصویر ۱

رسل
رَسُول :

فرستاده ، پیام بر

Envoy, apostle, messenger

Syr. rasulâ رَسُولًا

(Brun. 646; Frankel. XII)

۷. واژه‌های (نبی) و (رسول) در زبان عبری و یونانی

در متون مقدس دو واژه نبی و رسول با الفاظ متفاوتی به کار رفته است. در جدول زیر این دو واژه به سه زبان عبری، یونانی و عربی که به ترتیب (عمدتاً) زبان‌های اصلی عهد عتیق، عهد جدید (ر.ک؛ فرهنگ یونانی-عبری-انگلیسی جیمز استرانگ، ۱۹۸۰، ص ۸۹) و قرآن است و همچنین زبان انگلیسی که زبان عمده این کتب مقدس در حال حاضر است، ذکر شده است.

جدول ۲. نبی و رسول در کتب مقدس

تلفظ عبری	عبری	تلفظ یونانی	یونانی	انگلیسی	عربی
nâbîy'	נביא	Prophētēs	Προφήτης	Prophet	نبی
mal'âk	מלאך	Aggelos	ἄγγελος	Messenger, Apostle	رسول

۸. بررسی واژه (نبی) و (رسول) در متون مقدس

در ادیان ابراهیمی قبل از اسلام (عهد قدیم و عهد جدید) موضوع پیامبری و نبوت با دو کلید واژه (نبی) و (رسول) به صورت‌های مختلف، مطابق جدول بالا، استفاده شده است. واژه (نبی) سیصد و پانزده بار در عهد قدیم به دو صورت: "nâvî" و "nâbî" معادل با "Prophet" به کار رفته است (ر.ک؛ محمدیان، ۱۳۸۱: ۳۹۸) و به طور کلی نبوت و نبی در عهدین هم‌راستا به کار رفته اند. در عهد قدیم و جدید "نبی" کسی است که سخن خدا را دریافت می‌کند و به دستور او مردم را به سوی پروردگار فرا می‌خواند (ر.ک؛ انجیل متا، باب ۱۳، آیه ۵۷) (Lacoste (2005), v3, p.1299).

۸-۱. واژه (رسول) در عهدین

معادل واژه (رسول) در عهدین به دو صورت "apostle" و "messenger" چندین بار تکرار شده است.

۸-۱-۱. واژه (رسول) در عهد قدیم

واژه (رسول) در عهد قدیم بسیار کم رنگ تر از (نبی) است و در مقایسه با عهد جدید و قرآن از معنی ویژه و برجسته‌ای برخوردار نیست، گرچه در بخش‌هایی از عهد قدیم (ر.ک؛ کتاب اعداد؛ باب ۲۰ آیه ۱۴) به رسولان و فرستادگانی چون موسی، یوشع و داوود اشاره می‌شود، اما این رسولان به معنای پیامبر نیستند. البته بر طبق عهد قدیم، موسی (علیه السلام) بدون شک بزرگ‌ترین فرستاده خداوند است. خدا او را برمی‌گزیند و به سوی سرزمین مصر می‌فرستد تا بنی اسرائیل را از زیر بار ستم فرعون رها سازد (ر.ک؛ کتاب خروج، باب ۳، آیه ۱۰ تا ۱۲) با این همه پس از موسی (علیه السلام) مفهوم و جایگاه رسالت اهمیت به سزایی در اندیشه یهود ندارد.

۸-۱-۲. واژه (رسول) در عهد جدید

کابرد واژه (رسول) در عهد جدید را می‌توان به دو صورت عام و خاص دسته‌بندی کرد. در کاربرد عمومی، معنای این واژه (فرستاده کلیسا) است. در این کاربرد گزینش رسولان از طرف خدا نیست، بلکه آنان از سوی انسان‌هایی انتخاب می‌شوند که با رسولان هم‌دل و هم‌کار هستند. آنان مسئول آموزش انجیل و سرپرست کلیساها هستند (ر.ک؛ نامه پولس، باب ۲، آیه ۲۵).

واژه (رسول) در عهد جدید در معنای خاص دارای چهار کاربرد است:

الف. حضرت عیسی (علیه السلام) فرستاده خدا خوانده می شود، ولی واژه (رسول) تنها یک بار برای وی به کار می رود. (در بیشتر موارد او را خدا یا پسر خدا خوانده اند) (انجیل متا، باب ۱۵، آیه ۲۵؛ انجیل لوقا، باب ۱۰، آیه ۱۶).

ب. حضرت یحیی (علیه السلام) در عهد جدید رسول و فرستاده خدا خوانده می شود (ر.ک؛ انجیل متا، باب ۱۱ آیه ۱۰-انجیل لوقا، باب ۷، آیه ۲۷).

ج. دوازده شاگرد ویژه حضرت عیسی (ع) - حواریون - دوازده رسول او نامیده می شوند. عهد جدید این واژه را هشتاد بار در چنین معنایی به کار می برد. کارکرد رسولان عهد جدید، همسان با انبیای عهد قدیم است؛ زیرا آنان نیز وحی ای که به عیسی علیه السلام می رسید را به مردم می رساندند. ایشان همراهان عیسی علیه السلام تا رستخیز هستند. این رسولان نمایندگان اورشلیم به شمار می روند. برجسته ترین این چهره ها پتروس و یعقوب هستند. در این دیدگاه پولس، رسول نیست و تنها یکی از گواهان برجسته عیسی (علیه السلام) به شمار می رود. نحوه رسیدن پیام خدا به این رسولان روح القدس و فرشتگان الهی هستند (انجیل متا، باب ۱۰ آیه ۱ و ۲؛ انجیل لوقا، باب ۶، آیه ۱۳ تا ۱۶؛ انجیل یوحنا، باب ۱۷، آیه ۱۸).

د. کسانی که فرستادگان عیسی (علیه السلام) نیستند، اما برگزیدگان و آموزش دیدگان روح القدس اند و مأموریت رساندن پیام روح القدس به غیریهودیان را دارند. (Lacoste 2005) (v1- p77) برجسته ترین این رسولان، پولس است. در رسول بودن پولس تردید وجود دارد. برخی او را رسول خود خوانده می دانند و در برخی اناجیل مثل انجیل لوقا او را رسول نمی دانند. در نامه های خود پولس نیز شواهدی هست که نشان می دهد رسول بودن او محل تردید است. در اولین نامه به جای مانده از خودش به نام (تسالونیکیان) او خود را رسول نمی خواند (ر.ک؛ نامه پولس به غلاطیان، باب ۶، آیه ۱۷) ولی بعدها خود را در جایی فرستاده خدا و جایی فرستاده عیسی (علیه السلام) می خواند

(نامه پولس به رومیان، باب ۱، آیه ۵). با این همه در نگاه یهودی-مسیحیان نخستین، پولس هرگز رسول خوانده نمی‌شود (Eliade، 1987، p357، v1).

قرآن برای اشاره به شاگردان عیسی (علیه‌السلام) همیشه از واژگان (حواری)، (حواریون) یا (حواریون) استفاده می‌کند و آنان را یاران خدا می‌خواند؛ مانند: (فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ) (آل عمران/۵۲) و (وَ إِذْ أُوحِيَتْ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمَنُوا بِي وَ بِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ) * «إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده/۱۱۱-۱۱۲).

البته در آیات ۱۴ تا ۲۰ سوره یس، قرآن کریم به فرستادگانی از سوی خدا اشاره می‌کند، بی آن که نامی از آن‌ها ببرد، آن جا که می‌فرماید: (إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ) (یس/۱۴).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت فراوان واژه (رسول) در قرآن و سنت، ابتدا حوزه‌های معنایی گوناگون واژه (رسل) تحلیل و بررسی شده و به چهار دسته معنایی تقسیم گردید. با بررسی این معانی مشخص گردید که وجه اشتراک معنایی آن‌ها (سیر و حرکت و اتصال و ارسال) است. در مورد معنای واژه (رسول) نیز از مجموع نظرات گوناگون لغویان معنای مشترک (مبعوث و برانگیخته شده با رفق و مدارا) به دست آمد. در گام بعدی برای فهم دقیق‌تر معنای واژه (رسول) به بررسی واژه مترادف آن یعنی کلمه (نبی) از نظر لغوی و اصطلاحی پرداختیم و به معنای (خبررسان از طرف خداوند) دست یافتیم. در ادامه به منظور مقایسه و مشخص شدن جایگاه این دو واژه در قرآن کریم، جدول فراوانی یاد کرد قرآن از پیامبران «اولوالعزم» با دو واژه (رسول) و (نبی) تهیه شد که نتیجه آن کاربرد سه برابری واژه (رسول) نسبت به واژه (نبی) بود که جایگاه ممتاز این واژه نسبت به کلمه نبی را مشخص نمود.

اما برای روشن شدن معنای دقیق این دو واژه و تفاوت‌های جزئی آنها با یکدیگر با مراجعه به تفاسیر گوناگون و تقسیم بندی نظرات مختلف مفسران و بررسی روایات، به این نتیجه دست یافتیم که ارتباط واژگان (نبی) و (رسول) با یکدیگر از نوع رابطه عموم و خصوص مطلق است یعنی هر رسولی، نبی است اما هر نبی، ممکن است رسول نباشد. در پایان با تحلیل و بررسی تاریخچه واژه (رسول) در ادیان آسمانی یهود و مسیح و زبان‌های سریانی، عبری و یونانی، جایگاه این واژه و حوزه‌های معنایی آن و تفاوت آن با واژه (نبی) بررسی و مشخص گردید که واژه (رسول) در زبان‌های کهن و ادیان الهی قبل از اسلام نیز، واژه‌ای مهم و پرکاربرد بوده و همان معنای مشهور (فرستاده و پیام رسان الهی) را داشته‌است و بر همین مبنا می‌توان گفت واژه (رسول) ریشه‌ای عمیق در تاریخ زبان بشری و در متون ادیان الهی چون قرآن کریم، تورات و انجیل داشته و در دین مبین اسلام نیز از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه حسین انصاریان. (۱۳۸۳). چاپ اول. قم: انتشارات اسوه.
- ابن ابی حاتم. عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. چ سوم. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ش). *علل الشرائع*. چاپ اول. قم: کتاب فروشی داوری.
- _____ (۱۴۰۳ق). *خصال*. ترجمه محمد باقر کمره ای. قم: جامعه مدرسین.
- ابن تیمیه، محمد. (۱۴۲۰ق). *النبوات*. محقق: عبد العزیز بن صالح الطویان. چاپ اول؛ ریاض: أضواء السلف.
- ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م). *جمهره اللغه*. چاپ اول. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). *المحکم و المحيط الأعظم*. مصحح: هند اوای. عبدالحمید. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ ق). **مناقب آل أبي طالب عليهم- السلام**. چاپ اول. قم: علامه.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ق). **معجم مقاییس اللغة**. چاپ اول. مصحح: هارون. عبدالسلام محمد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ ق). **تفسیر القرآن العظیم**. تحقیق: محمد حسین شمس الدین. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ ق). **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ ق). **تهذیب اللغة**. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ ق). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ ق). **المحاسن**. مصحح: محدث. جلال الدین. چاپ دوم. قم: دار الکتب الإسلامیه.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). **البرهان فی تفسیر القرآن**. محقق/مصحح: قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثه؛ چاپ اول. قم: مؤسسه بعثه.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ ق). **تفسیر مقاتل بن سلیمان**. تحقیق: عبد الله محمود شحاته. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث.
- بیومی مهران، محمد. (۱۳۸۳ ش). **بررسی تاریخی قصص قرآن**. سید محمد راستگو. تحقیق: محمد راستگو. چاپ: اول شرکت انتشارات علمی فرهنگی. تهران.
- تستری، ابومحمد سهل بن عبدالله. (۱۴۲۳ ق). **تفسیر التستری**. تحقیق: محمد باسل عیون السود. چاپ اول. بیروت: منشورات محمدعلی بیضون / دارالکتب العلمیه.

- ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). **الكشف و البيان عن تفسير القرآن**. تحقیق: ابو محمد بن عاشور. چاپ اول. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). **تفسیر نور الثقلین**. محقق: رسولی محلاتی. هاشم. چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان.
- حییم، سلیمان. (۱۳۶۰). **فرهنگ عبری-فارسی حییم**.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷). **دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی**. چاپ اول: نشر دوستان. تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. چاپ اول. بیروت: دارالقلم.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی. (۱۴۲۲ق). **تفسیر الوسیط**. چاپ اول. دمشق: دار الفکر.
- زبیدی، محمد بن محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). **تاج العروس**. مصحح: شیری. علی. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۱۶ق). **الإتقان فی علوم القرآن**. تحقیق: سعید المنذوب. چاپ اول. لبنان: دارالفکر.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ق). **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**. چاپ اول. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شرقاوی، محمود. (۱۹۷۰). **الانبياء فی القرآن الکریم**. چاپ اول. قاهره.
- صفار قمی، ابن فروخ. (۱۴۰۴ق). **بصائر الدرجات**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ و سید محمدباقر موسوی همدانی. (۱۳۷۴). **ترجمه تفسیر المیزان**.
- چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تحقیق: محمد جواد بلاغی. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. چاپ اول. بیروت: دار المعرفه.
- طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**. مصحح: حسینی اشکوری. احمد. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. **التبیان فی تفسیر القرآن**. تحقیق: احمد قصیر عاملی. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). **مفاتیح الغیب**. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). **کتاب العین**. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.
- فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰ م). **معانی القرآن**. تحقیق: احمد یوسف نجاتی / محمدعلی نجار / عبدالفتاح اسماعیل شلب. چاپ اول. مصر: دارالمصریه.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). **تفسیر احسن الحدیث**. چاپ سوم. تهران: بنیاد بعثت.
- _____ . (۱۳۷۱). **قاموس قرآن**. چاپ ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ ق). **الکافی**. مصحح: غفاری. علی اکبر / آخوندی. محمد. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ ق). **بحار الأنوار**. محقق / مصحح: جمعی از محققان. چاپ: دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدیان، بهرام. (مستول گروه ترجمه). (۱۳۸۱ ش). **دایره المعارف کتاب مقدس**. تهران: سرخدار.
- محمود، عبد الحلیم. (۱۳۸۱ ش). **فی رحاب الانبیاء و الرسل**. قاهره.
- مشکور، محمد جواد. (۱۳۵۷ ش). **فرهنگ تطبیقی عربی با زبان های سامی و ایرانی**. چاپ اول. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ ق). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. چاپ سوم. بیروت - قاهره - لندن: دارالکتب العلمیه. مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. چاپ اول. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۹۳). *فرهنگ قرآن*. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.

Fred Skolnik (Editor in Chief) .(2007). *Encyclopedia Judaica* (Second Edition),
New York: Macmillan.
Lacoste, Jean-yves. Editor .(2005). *Encyclopedia of Christian Theology*. New York/London: Routledge.
Eliade, Mircea (Editor in Chief) .(1987). *The Encyclopedia of Religion*, New York: Macmillan Publishing Company.
James Strong .(1980). *Strong's Exhaustive Concordance with Greek and Hebrew Dictionary*.